

غربت علم!

(علم و تکنولوژی در کشاکش مدح و ذم)

احمد راسخی لنگرودی

www.ketab.ir



قصیده سرا



قصیده سرا

غربت علم!

(علم و تکنولوژی در کشاکش مدح و ذم)

احمد راسخی لنگرودی

ویراستار: مهرانگیز اشراقی

طرح جلد: محسن توحیدیان

آماده سازی قبل از چاپ: هزاره سوم اندیشه

چاپ اول: ۱۴۰۰

چاپخانه: قشقایی

تعداد: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۸-۴۸-۸

حق چاپ محفوظ است.

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

تلفن: ۶۶۹۷۲۸۷۰

پست الکترونیک: ghasidehsara@gmail.com

سرشناسه	: راسخی لنگرودی، احمد - ۳۳۷
عنوان و نام پدیدآور	: غربت علم: (علم و تکنولوژی در کشاکش مدح و ذم) / احمد راسخی لنگرودی؛ ویراستار مهرانگیز اشراقی.
مشخصات نشر	: تهران: قصیده سرا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: 978-964-8618-48-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۳۷-۲۴۶.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: علم و تکنولوژی در کشاکش مدح و ذم.
موضوع	: علوم
موضوع	: Science
موضوع	: تکنولوژی
موضوع	: Technology
رده بندی کنگره	: Q۱۶۲
رده بندی دیویی	: ۵۰۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۳۹۰۲۹

فهرست

۹	مقدمه
۱۵	فصل اول: قشری گرایی دینی
۱۵	جدال خودساخته
۲۱	قشری گرایی در جغرافیای اسلام
۳۱	گروه‌های سلفی و تکفیری
۴۱	قشری گرایی در ایران
۴۸	شیخ و شوخ
۴۹	طب هاریسون در آتش
۵۳	علم ظاهر!
۶۱	فصل دوم: عالم‌گشی در قرون وسطی
۶۱	بیم‌های خودساخته!
۶۹	سرنوشت تلخ یک نظریه
۷۲	یگانه قدرت
۷۹	جهل مقدس!
۹۰	مجرمان علمی!
۱۰۳	فصل سوم: عصر نوزایی علم
۱۰۳	سپیده‌دم علم
۱۰۹	آناتیس نو
۱۱۴	در کمین‌نشستگان!

۱۱۷	فصل چهارم: کعبه علم
۱۲۱	الهیات طبیعی
۱۲۵	خدای رخنه‌پوش!
۱۴۰	در هوای ساینتیسم
۱۴۷	کاهن دین انسانیت!
۱۵۳	فصل پنجم: ریشه‌یابی علم در نژاد غربی!
۱۵۳	فرضیه‌بافی‌های نژادی
۱۵۶	علم در دماغ غربی!
۱۶۲	قله‌های مقدس!
۱۶۷	فصل ششم: معارضان علم
۱۶۷	افسانه‌ای فاوست‌گونه
۱۷۱	دلزدگی‌های علمی
۱۸۰	جدال با تکنولوژی
۱۸۳	نقدپردازان عرصه تکنولوژی
۱۹۵	مخالفت با تکنولوژی در قالب گروه‌های اجتماعی
۲۰۴	«ایستا»، نشسته در سنت!
۲۰۹	فصل هفتم: جایگاه واقعی علم
۲۰۹	مرثیه‌سرایی بر غربت علم!
۲۱۰	تلاشی بیهوده
۲۱۲	علم و دین
۲۲۴	علم یا علم‌مداری؟
۲۲۷	پرسش از تکنولوژی
۲۳۹	منابع
۲۳۹	الف. کتب فارسی
۲۴۶	ب. نشریات
۲۴۷	ج. منابع انگلیسی

مقدمه

چرا غربت علم؟! مگر علم هم غربت می‌گیرد؟! مرثیه‌سرایی بر غربت علم دیگر چرا؟! آن هم در عصر و زمانه‌ای که علم و تکنولوژی در تمامی زوایایش رخنه کرده و جوامع را با هر زبان و فرهنگ و نژادی به دنبال خود کشانده است.

اگر گفته می‌شود غربت علم، به این امر نظر ندارد که علم در جهان امروز مهجور و گم‌گشته است و کسی را با آن سروکاری نیست و آدمیان به هر علت و دلیلی از مواجهه با آن تن می‌زنند. بلکه برعکس، موضوعی که از آن سخن به میان می‌آید چندی است بر فراز هم نشسته است؛ چونان خورشیدی عالم‌تاب در سراسر گیتی می‌درخشد و همگان را شیفته و مفتون خود می‌سازد.

اگر گفته می‌شود غربت علم، مقصود آن است که علم در تاریخ خود با وجود آن‌همه توجهات و کانون مراجعات، همواره در میان دو طایفه در غربت بوده و کمابیش همچنان است؛ طایفه‌ای موسوم به علم‌ستیزان و طایفه‌ای موسوم به علم‌ستایان. هر یک به نحوی حق علم را آن‌چنان که باید

ادا نکرده‌اند؛ طایفه‌ای به بهانه‌های مختلف به علم تاخته‌اند و مانع بر سر راه آن ایجاد کرده‌اند. در مقابل، طایفه‌ای به بهانه‌هایی دیگر، بیش از حد علم را ستوده، تا آنجا که به علم‌مداری روی آورده‌اند. این نیز مانع دیگری بر سر راه علم بوده است. اما حاصل کار اینکه: علم به دور از مواضع افراطی این دو طایفه، بالاخره راه خود را، هر چند به سختی و با تأخیر پیموده است. درواقع باید گفت: این ساحت علم است که در میان این دو طایفه غربت خود را می‌آزماید. نه مداحی علم‌مداران و علم‌ستایان گره از کار علم گشوده و نه هجمه معارضان و علم‌ستیزان گره‌ای آن‌چنانی در کار علم ایجاد کرده است.

در تشریح مطلب لازم است گفته آید، رشد و پیشرفت علوم تجربی در قرون جدید و سیطره و استیلای تکنولوژی بر بسیاری از جوانب حیات بشری و به تبع، آثار سازنده یا مخرب ناشی از آن، به طور کلی دو نوع مواجهه غیراصولی را بین دست‌های از صاحب‌نظران در پی داشته و به شکل‌گیری پاره‌ای مواضع تند و افراطی نسبت به علم و تکنولوژی و فناوری‌های جدید دامن زده است که البته تماماً از نگاه‌ها و دیدگاه‌های انحرافی نسبت به ماشین علم منشأ می‌گیرد که عبارت‌اند از:

الف. نخستین نگاه و دیدگاه انحرافی نسبت به علم ذیل عنوان کلی علم‌ستیزان می‌آید. در میان آرای متنوعی که تحت این عنوان جای می‌گیرند، به یک اعتبار، می‌توان دو گرایش را تشخیص داد. یک گرایش بر این اندیشه تأکید دارد که جهت‌گیری علم صرفاً دنیوی و مادی بوده و در تعارض با جهت‌گیری دین، که صرفاً معنوی و اخروی است، قرار دارد. علم با یافته‌های خود نهایتاً می‌خواهد جای دین و خدا را بگیرد و مستندات و حیانی را رهسپار موزه تاریخ کند. پس باید با آن جنگید، یا دست‌کم با بی‌اعتنایی زمینه رشد و پیشرفت آن را فراهم نکرد.

گرایش دوم بر این نظریه مبتنی است که علم و محصول آن تکنولوژی،

اگرچه در تأمین رفاه و راحتی زندگی انسان نقش کلیدی داشته، اما برای محیط زیست و طبیعت زیان‌آور و زندگی انسان را از معنی و مفهوم تهی کرده است. در نتیجه، باید با آن به مبارزه برخاست، یا دست‌کم از پذیرش آن اعراض کرد.

ب. دومین نگاه و دیدگاه انحرافی نسبت به علم عبارت است از اینکه: علم مدار عالم و آدم است. ماشین علم قادر است عالم و آدم را درنور دیده و به تنهایی قدرت آن را دارد که حل کلیه مشکلات کنونی و آینده بشر را ممکن سازد و «خوشبختی» و «سعادت»، این کعبه آمال را ارزانی انسان پیشرفته گرداند. پس باید آن را از هر نظر ستود و مورد تقدیس قرار داد.

نخستین نگاه انحرافی که به اتخاذ موضعی خصمانه در برابر علم انجامیده است به جمودگرایان و قشری‌گرایان دینی و ایضاً طبیعت‌گرایان بازمی‌گردد. بیشترین آن در دوره تاریخی قرون وسطای مسیحی دیده شده و پاره‌هایی از آن در برخی از تحولات دینی و طبیعت‌گرا در دنیای معاصر قابل شناسایی و ذکر است.

دومین نگاه انحرافی در بین دسته‌ای از متفکران مغرب‌زمین پس از ظهور اندیشه مدرنیسم دیده می‌شود که تحت تأثیر ماه عسل علم، علم جدید را امری مطلق در نظر گرفته و با اعتماد به نفس بالایی آموزه‌های تجربی را یگانه ابزار کارآمد برای کشف راز و معمای هستی به شمار آوردند و در نتیجه، بی‌نیازی بشر را از مآثورات دینی و آموزه‌های وحیانی به تبلیغ کشاندند. این دسته از متفکران، در اصل، ستایشگران و ثناگویان علم و در یک کلمه «ساینتیست‌ها» و «علم‌مداران» خوانده می‌شوند.

نتیجه اینکه، هر دو دیدگاه، حق علم را آن‌چنان که باید بجا نیاوردند: یکی آن‌قدر علم را تنزل داد که ضد دین و سنت و طبیعتش خواند، و آن دیگری آن‌قدر در ستودن علم افراط روا داشت که به مقام خدایی‌اش رساند. همان اندازه که قشری‌گرایان دینی و طبیعت‌گرایان در مقابل علم و تکنولوژی، سنگ دین و طبیعت را بر سینه می‌زدند، به همان اندازه

علم‌ستایان نیز بر اصالت علم ابرام می‌ورزیدند. هر دو دیدگاه اما، با تمام اختلافات خود، در یک نقطه اشتراک نظر دارند و آن عبارت می‌شود از: تضاد علم و دین از یک سو و تکنولوژی و طبیعت از سوی دیگر؛ با این تفاوت بنیادین که هر یک از این دو دیدگاه، از میان آن دو، یکی را علیه دیگری به کار می‌گیرد.

نقد و بررسی این دو دیدگاه، نقش و جایگاه واقعی علم و نسبت آن را با انسان روشن ساخته و به نوعی غربت علم را، به‌رغم شعاع وسیع اقبال‌ها، آشکار می‌سازد.

•

برای پیشگیری از برخی ابهامات و سوءبرداشت‌ها لازم است در همین آغاز مراد خود را از واژه «علم» بیان داریم. مراد از علم در این مجموعه، به معنای خاص آن، علم تجربی (یا به کاربردی) است که معادل انگلیسی آن واژه Science است؛ نه به معنای مطلق دانایی و دانش که در برابر جهل قرار می‌گیرد و در انگلیسی از آن با عنوان Knowledge یاد می‌شود. بنابراین، در این مجموعه وقتی گفته می‌شود علم، مراد علمی است که برای کشف طبیعت از طریق تجربه و آزمایش حاصل می‌شود و نهایتاً به تغییر آن می‌انجامد. همچنین، مراد از دین صرف‌نظر از تعاریف مختلفی که از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است، عبارت است از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی که حول محور خداوند و مفهوم حقیقت نهایی سامان می‌یابد.

لازم به ذکر است مقصود از علم قوانین علمی‌ای است که متضمن شناخت طبیعت است و نه نظریه‌های علمی که فرضیه‌های موقتی دربارهٔ هویتات غیرمشهود بوده و ممکن است چندان حکایت از امر واقع نکنند.

•

مطالب این کتاب در هفت فصل گرد آمده است؛ فصل نخست که عنوان

«قشری‌گرایی دینی» را بر خود دارد، اثرات سوء جمودگرایی بر تولید علم، قشری‌گرایی در جغرافیای اسلام و جدال قشری‌گرایان را با علم تجربی مورد بحث و نظر قرار می‌دهد. نیز سبک شمردن علم در کشورهای اسلامی و از جمله ایران به بهانه علم غربی و غیراسلامی، و نیز اشاره به پاره‌ای از دیدگاه‌های عرفانی در دامن زدن به غربت علم، تحت عنوان «علم ظاهر»، از مباحث دیگر این فصل به شمار می‌آید.

«علم‌گشی در قرون وسطی»، عنوان فصل دوم و مهم‌ترین بخش از کتاب حاضر را به خود اختصاص می‌دهد. در این فصل، ضمن اشاره به بی‌مهری ارباب کلیسا با علم و وضعیت ناگوار علم در قرون وسطای مسیحی، به محکمه‌های انگیزاسیون و دادگاه‌های تفتیش عقاید و برخورد قهرآمیز ارباب کلیسا با اخترشناسان و دانشمندان برجسته‌ای همچون: برونو، کپلر، گالیله، وائینی و... پرداخته می‌شود. جدال دین با علم محوری‌ترین مبحث این فصل را به خود اختصاص می‌دهد.

فصل سوم با عنوان «عصر نوزایی علم»^۱ مدوری است بر عصر طلوع علم و آزادی آن از انقیاد کلیسا. در این فصل گفته می‌شود: نوزایی علم برداشت‌های تازه‌ای آورد که از اساس با برداشت‌های پیش از آن متفاوت بود. همه توجهات معطوف پژوهش و دانش‌ورزی شد. عصری پدید آمد آکنده از رشد و شکوفایی علم و آخرین دستاوردهای تجربی. اما دریغا، در ماه عسل علم، سرنوشت علم به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد. علم این‌بار زاویه‌نشین خاک غربت شد؛ غربتی که مداحان و ثناگویان افراطی علم و علم‌زدگان در چهره «سایتیسم»^۲، اساس آن را تدارک می‌دیدند.

در فصل چهارم که با عنوان «کعبه علم» آمده است به دیدگاه‌های ثناگویان و هواداران افراطی علم پرداخته می‌شود. همچنین ظهور مکتب سایتیسم و علم‌مداری و ویژگی‌های آن، و پیامدهای علم معطوف به قدرت، از جمله موضوعاتی است که در این فصل به تفصیل جایی برای نقد و نظر

گشوده است. برخلاف فصل دوم، محور اصلی این فصل را جدال علم با دین تشکیل می‌دهد.

«ریشه‌یابی علم در نژاد غربی» عنوان فصل پنجم و درواقع فصل حاشیه‌ای این مجموعه را به خود اختصاص می‌دهد. در این فصل، با طرح این پرسش که «آیا ظهور علم جدید در غرب منشأ نژادی دارد؟» نظرات برخی از متفکران نژادگرا در نسبت علم با نژاد غرب، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

فصل ششم به مواضع و دیدگاه‌های معارضان علم می‌پردازد. نگاهی اجمالی به بازتاب‌های کلامی، ناشی از دلزدگی‌های علمی از سوی برخی اندیشمندان و نویسندگان غربی تا آنجا که به غربت علم اشاره دارد، مباحث دیگر این فصل را به خود اختصاص می‌دهد.

در فصل هفتم و آخرین فصل از کتاب حاضر، جایگاه واقعی علم و نسبت آن با دین، و تمایز علم و علم‌مداری مورد بحث و نظر قرار می‌گیرد. پرسش از تکنولوژی و مواجهه درست با آن، مبحث پایانی این فصل به شمار می‌آید.

به امید آنکه، کتاب غربت علم به سهم خود بانی را در تاریخ و فلسفه علم بگشاید و مورد توجه و تأمل ارباب نقد و نظر قرار گیرد. نگارنده از پیشگاه اهل دقت و بصیرت، به جد تأملات و نظرات ارشادی را خواهان است و آن را لازمه کار پژوهشی خود می‌داند.

احمد راسخی‌لنگرودی